

File No.

1857 .

Collection No. |

MUTINY PAPERS

Pros. Serial Nos. Files of SIRAJUL AKHAR

Vol. 13 ; no. 22 ; August-15-21, 1857.

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$ " (Printed).

Previous References.

Later References.

Handwritten notes at the top of the page, including the number '99' and '90'.

جلد دوازدوم

سراج الاخبار

نمبر ۳

من تبار مجید پند پند جهانم و بجز این نظایق با مردم است شیخ فاضل چندی نام است تمام اولی
اجبار و در بار جهان در حضرت بجا می خلیفه الرحمانی مروع خاندان
عالمیشان کورگانی چراغ دودمان بختشان صاحبصفتی از حدیث

پیشتر در اوقات سپهر در اورده بصفت شهریار و بار

بر مایان عقیدت قوم مذوقه بعد از
سدهای سنگه باو مع دیگر افسران طایف
حاضر شده حالات جنگ و شجاعت
افواج نظیر امواج و احوال ابر فوج دیگران
اطراف و جوانب معروضه است پس
از آن داخل دیوان شهر یاری شده
بلاخطه عرضی واجب که کعبه عرض برود
و دستگیری و وثوق عقیدت و ارادت
و عدم حضور و در باطن ماری ساخت
علاقت لیل و نهار فرمودند که شقه کراست
مرفقه با سنج آن عرصه در نیز برود
نصف النهار بکام نعمت پیری مایه

پس در زمان وانی قلمم جرم قدم شهر نهی
نگذاشت که خود کاسکار دشمن کفار و نصیبه
سودا نموده احترام الله و کعبه را نشسته
بخشیده اند ارکان دولت ایمان حضرت
صمصام الله و کعبه معین الله و شمس الله
و سرافراز الله و شیر الله و سیر عدل
و حسن علی خان امین الدین خان امین
الله و حکیم عبدالحق خان و دیگر اراکین
ذیشان فاضله ساسی بارگاه خاقانی
شده اوقات و کور نشسته و حسن کنایه
شهر یاری نمودند و وظایف و غایب
جوه فرمای دیوان خاص کشته مجرا و تسلیم

طعام کشته قبول گاه ار استند به است
 نماز شبین دیگر اشغال نشین حضرت خاند
 رسیدن بنا بر حکمت بناه و دیگر الکبر
 بنده حکیم و فرزندان ایشان حاضر
 عرض و معروض نمودند بود وقت
 ترخیص آنها محمد محبت خان کوزیر جنرال
 بنادیر حاضر کشته خبری عرض کردنی
 معروضه داشت بعد حضرت کشت

و مجاهد با بفسد ان غار فرمودند که به
 ان شقه کرامت مرقد حضرت در نزد
 بعد از ان داخل ایوان شهر رسید
 شده نصف النهار تکلم نعمت پیر
 مایه طعام کشته قبول گاه ار استند
 بدای نماز شبین و دیگر اشغال کثیر
 عصر خوانده عرض حکمت بناه مشعر مقرر
 بودن خود این وقت از اخبار دربار
 جهان در لیب نزول باران رحمت
 نظر افروز که کشت زین و سخط فرمودند
 که مضایقه نیست و همین وقت معانی
 چهار قطعه شقیات کرامت سات
 منی مرتبه دارالافتا اسمی را وقتارام
 یکی مشعر خوشنودی خاطر دریا مقاطر
 و طلب زرامنی موضع سد بر روی
 بهر سه معتقدان خود و دویستی
 همین را و معروض در باره ارسال نور
 س تمام مواضعات ماکذاری و
 سویی هم بن ارشاد که هر قدر ز
 تحصیل ادنی انجیر خواه رسیده باش
 برای تقسیم نخواهد اران ارسال نماید

نقطه
مکتب و سیم و کج
 باشت ز شایسته باید از فریضه و فلتی که داده
 و اقرام الدوله با در اسعادت نفس شاکر
 بخشیده به بر بار جهان با از فرمای کردید
 ارکان دولت و ایمان حضرت بجا اولم
 بجا آورده دست لبته حاضر آمدند بلاخط
 عرضی را وقتارام رئیس ربواری در
 از نظام ضلوع این برکنه و عرض معانی
 حق ملک موردی از تحصیل دیگر برکنات
 و کمداشت چهار و پنج هزار سوار
 و پیاده بوجهت دستخط و مقابله

و چهارمی در باره تعیین و کیل انقد و
رانی ارشادات در باره گاه و الاضطرار
سنت مجمل مبر خاص فرموده علم
احسن ان نمودن احسن بن نادر
جلوه افزای دیوان حاصل گشته و
عاضدین در دولت را بقبض قبول
محرانواخته کاشانه اجلال را رشک
خلد برین ساخته قطعه
یوم دوم است و ششم
و الصبح اذ انتفس طاعت رفتی بجای آورده
بسته نبض شناسی با احترام اله و له بهار
داده سنده در باره استند اجناس
ذوی الاقتدار ادب و کوشش بجای آورده
دست بسته بارگاه ملک استیادند
محمد نجیب خان کور ز جنرل بهادر در حاضر
شده مع دیگر افسران فوج حالات
جنگ و انتظام آن معروضه گشته
مرخص گشت بعد استوجاب سیر و گشت
گردیده بعد سبب عتی از انجا مرخص
نموده و داخل دیوان عودشان شده

مباخط شش نطعات شجاعت گرا
نرتبه دارالانشای قدس کی فیضی
را اولیایم در باب طلب و وارده ملک
رویه بسبیل قرض باید که نمره معتقدان
خود نسبت حسین بخش خان عرض بکنی
و مولوی فیض احمد مفتی عدالت العالیه
روانه بارگاه و الانامیه و دومی بنام
مولوی فیض احمد مفتی مدوح برای قرض
زر تحصیل مالکذاری ضلوع عبت شهر و قوه
دومی بنام رعده انداز خان سالن
شاه آباد شعلقه صوبه اووه سیاسخ عراض
کمال الدین خان و دلیر خان در باره
علازم در بخشن افواج نظیر اسواج بر آس
انتظام قصه نه کور و ضلوع آن حسن الظن
شان باید که در انجا انتظام نموده ز
و جب انجا ارسال نماید و انطه و س
را خلعت و خطاب و افزایش منصب
و جاگیر از بیگانه خسرو می خواهد گردید
و چهارمی بنام ولیداد خان عظیم الدوله
بهادر در باره ارسال زر تحصیل دو به
نصوح حسین بخش خان عوض بیگی و مولوگر

۴

فیصل احمد مدد و متعارفان شان پنج
 انعام مولوی عبدالحق در باره سپهر کی بیخ کنج
 و در ضرب اتواب رعه او از زبانی
 ز تحصیل کور کانونه و ارسال حاصل
 فصلیج بخزانہ عامه و ششمنی بنام
 عبد اللطیف خان خان پور و الی شاعر
 ارشاد که خوشین خان و مولوی فیض احمد
 خان مفتی عدالت سلطان برای تحصیل زر
 مالکداری ضلع بند شہر و علی کہ ہ
 و اقبہ و اضلاع ان لوانج میشود باید
 کہ یک جلالی و قد است خود نمودہ دور
 فصل زیج ارسال خزانہ عامہ نماید
 مسجل بہر خاص نمودہ حوالہ سربک فرمودہ
 و نیز بنام کھو علیخان و سرم پور والہ
 بمضمون مالک و محمود علیخان جہان
 ہوالہ و سرم سکہ بہادر
 و محمد داود خان بہکم پور والہ بہر
 سفہر صدر شہرت اجرائے
 گرفت نصف النہار فکلام نعمت بہا
 مایہ طعام کشتہ قیلو لگاہ اریستند
 ماہی خازن شہن و دیگر تنف سال و شہر

عصر خوانندہ خشمین نہار روقت
 حضور حکمت بناہ و دیگر اراکین
 در بارہ سلسلہ فضل الفضلا حکم
 الکلا فصیلت باب کحالات کتاب
 سبحان دوران حسان زمان حلا
 عقود مشرع و شہود یگانہ روزگار
 فرزاد شہر و دیار مولوی محمد فضل خان
 مع برادر شہر ان خود حاضر حضور آمدہ
 نذر ملازمت کد آیند بعد عرض معروض
 زمین ترخیص بمورد فقط

یوم شنبہ سبت و بیستم و یکم

قبل از طلوع نیر جان افروز فرضہ و
 سودا نمودہ احترام الدولہ بہادر را
 شرف نبض ستا سخی شہید بعدہ
 بعرض حضور کے اراکین در بارہ
 سبندہ جانبانی اراستہ لو اب
 و کور نشن باریہان بی فرستند و مولو
 محمد فضل حق خان مع برادر و دیگر
 افسران فوج ظفر سون عرض کردہ

بہر نامہ شہر
 ۱۰۰۰
 ۱۰۰۰
 ۱۰۰۰

مرض شده پس ازان داخل نشسته
 خلد بیان شده ملاحظه قطعه شسته
 کرامت مرقد مرتبه دالانشا اسمی را و
 تکرارم در باره شکایت زراهدنی
 قصبه کربواترک و دیات اطرا
 و تکیه آکیده در باب زود ازود
 ارجعال زراهدنی ان قصبه سبجل
 بمر خاص نموده زیور اچرا پوشیده
 نصیحت اللهم حکام نعمت بر آن
 مایه طعام کشته قیلوله گاه ار استند
 بادای نماز نشین و دیگر اشغال
 و نشین عصر خواننده ملاحظه عرض
 احرام الله وله بهادر شعور عدم حصار
 خود این وقت سبب کسل طبع بر
 و سخط فرموده فرستاده بعد
 شود سیر و گلشت باغ سید که
 شده شام گاه از اینجا مرخص
 نموده داخل گشانه اجلاک کرده

یوم چهارشنبه ششم محرم

ساعت دیر فلک فرضیه باد
 مودا نموده احرام الله وله بهادر
 را سعادت نبض شناسی داده
 جلوه آراسی در بار کشته حصار
 تهور شعار اداب و کور نشین
 سجا آورده بایه صاحب بهم
 و کلاه استادند بعد قبول مجراو
 تسلیم باریان غنیه سپهر کرم
 داخل آویوان شهر یاری شده
 مولوسی محمد فضل خان حاضر مایه
 والا کشته عرض کردنی معروضه
 بعد ازان رخصت گشت نصیحت
 هنگام نعمت یاری مایه طعام
 شده قیلوله گاه ار استند باد
 نماز نشین و دیگر اشغال و نشین
 عصر خواننده اخس من نه حکمت
 بناه حاضر حضور کشته بر نصیحت
 سر بندگی با نیت بعد ترخص
 انجیر خواه همگانی تو نزدیک رکاب
 سوج سیر و قفج و گلشت باغ
 سلیم که کرده به شامگاه از اینجا

مراجعت داخل مشکوی خام
شدند فقط

یوم نهم شب نهم کعبه

صبح کا این بود ای فریضه باید تمام
الله و له عباد و راسعادت
نبض شناسی بختیده بدو
فمنص دار جلوه آراشد زینضا
شوکت شعار تا صیه سابی باگاه
خاقانی کشته اداب و کوشش
ادا ساختن افسران جنگ
عوض داشتند که مخالفین بیدین
مورچه خود متصل بانق قدسیه
قایم کرده بودند ازین سولنه
بارش کوله توب جنان گردید
کما سباب ددمه و سلاست
کوچه و غره چون حسن و شاک
از سینه جاسوخت و خرمن ان
ناباکان بباد فنا بر وقت
فرمودند از سجاد جلشانه خواهد کرد

منبصه ظهور خواهد آمد بعد از
در بار بر جاسته داخل عشرت
سدرای خاص گردیدند
نصف النهار هنگام لغت پرا
ماید طعام کشته قبول گاه
از استینه بدو ای نماز شب پیر
و دیگر اشغال و نشین عصر
خواننده اش درین نهار حضور
اراکین در بار در دیوان خاص
جلوه آراشد بگریس زنگار
نشسته و حاضرین چون مالک کرده
حلقه بستند درین حکمت بناه
حاضر حضور کشته مشرف بنظر
شناسی گردید بعد ترخیص آنها
متوجه سیر و گلگشت سلیم گاه
گردیدند تا نگاه از انجمن
مراجعت نموده و در آشنای سوار
نظارت خان و دیگر اراکین
شرف ملازمت مشرف
ساخته بهر سی کو کبه اقبال و اهل
عشرت گاه اجمالی شدند فقط

یوم جمعہ کے ام و بحجہ

بادای سنن و فریضہ یوم آدینہ
 اختصاراً اللہ ولہ بہادر راکشہ
 نبض شناسی بخشیدہ بدیوان
 خاص جلوہ آرا کردہ نہ عیان
 دولت و ارکان سلطنت شمل
 مصداق اللہ ولہ بہادر و معین اللہ
 نظارت خان و شمس اللہ ولہ
 شمسہ نجف خان و سہ افز
 اللہ ولہ کتبان و لدا علی خان
 و شیر اللہ ولہ نائب کتبان و نواب
 حسن علی خان بہادر و نواب
 مین الدین احمد خان و ضیا اللہ
 احمد خان و اسحاق اللہ ولہ حکیم
 سہ الحق خان و دیگر اراکین
 نشان و الحکاران جافشان
 بہت سی بارگاہ خاقانے
 شدہ اداب و کوز نشین از
 داد ب مودنی کردانینہ

افسران بیان مبارک گاہ
 ملک حاضر آمدہ عرض حالات
 جنگ و جدل و ارادہ و اباد
 کفارہ بگردا کر دہ ماندہ بعدہ
 رخصت یافتہ حضور لا مع انور
 از دربار برخواستہ داخل
 ایوان شہر بارے شدہ
 نصف النہار تکام نعمت ہر
 مایہ طعام کشتہ قیلو لہ گاہ اراد
 بادای نماز کشتن و دیگر اشغال
 و نشین عصر خواندہ و شفقہ صا
 دستخطی کہ در دفتر والا نقل
 بسعت بادشاہزادہ مجتہد
 مع دو قطبہ شفقہ مہری نزا
 خضر سلطان بہادر روانہ
 کشتہ اخسہ بن ہار اقرام
 اللہ ولہ حاضر شدہ شرف
 حضورے دریافت بعد
 رخصت ان خیر خواہ با اخص
 بہ مہر سی طلبہ چند قبض لا بزوال
 پیر و تفرج سلیم کہ ہ برداختہ

